



اثربخشی یادگیری بر اساس نظریات روانشناسی در مدارس

خدیدجه علی پور^۱، سیده مریم حسینی^۲، مهسا غفاری^۳، مصطفی اسدی^۴

۱- کارشناسی، آموزش ابتدایی

۲- کارشناسی ارشد ریاضی

۳- کارشناسی شیمی کاربردی

۴- کارشناسی زیست شناسی

چکیده

یادگیری فرایندی پیچیده است که تحت تأثیر عوامل بی‌شماری در افراد قرار دارد. درک این عوامل به مربیان و روانشناسان کمک می‌کند تا تجربیات آموزشی را برای رفع نیازهای متنوع فراگیران تنظیم کنند. عوامل فردی مؤثر بر یادگیری شامل توانایی‌های ذهنی، انگیزه، دانش قبلی، ویژگی‌های شخصیتی، حالات احساسی، سلامت جسمی و تأثیرات اجتماعی است. هر یک از این عوامل نقش مهمی در شکل‌گیری نحوه جذب، پردازش و نگهداری اطلاعات توسط افراد دارد. توانایی‌های ذهنی زیربنای یادگیری هستند. این توانایی‌ها شامل مهارت‌هایی مانند حافظه، توجه، استدلال و حل مسئله می‌شوند. افرادی که از توانایی‌های ذهنی قوی برخوردارند، عموماً در پردازش و درک اطلاعات جدید توانمندتر هستند. برای مثال، ظرفیت حافظه کاری می‌تواند به طور قابل توجهی بر توانایی دانش‌آموز در پیروی از دستورات و نگهداری اطلاعات در طول فعالیت‌های یادگیری تأثیر بگذارد. انعطاف‌پذیری شناختی، یعنی توانایی جابه‌جایی بین تفکر در مورد مفاهیم مختلف، نیز نقش مهمی در تطابق با وظایف یادگیری جدید و حل خلاقانه مسائل ایفا می‌کند.

کلمات کلیدی: یادگیری، فناوری، دانش‌آموزان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

۱- مقدمه

هوش، که اغلب از طریق آزمون‌های IQ سنجیده می‌شود، عامل مهم دیگری است. در حالی که دیدگاه‌های سنتی هوش بر یک توانایی عمومی واحد تمرکز داشتند، نظریه‌های معاصر هوش‌های چندگانه‌ای را مانند هوش زبانی، منطقی-ریاضی، فضایی و هوش هیجانی به رسمیت می‌شناسند. هر نوع هوشی به طور متفاوتی بر یادگیری تأثیر می‌گذارد. برای مثال، دانش‌آموزی با هوش زبانی بالا ممکن است در خواندن و نوشتن مهارت داشته باشد، در حالی که دانش‌آموزی با هوش فضایی قوی ممکن است در فعالیت‌هایی که شامل تجسم و استدلال فضایی است، عملکرد بهتری داشته باشد.

دانش و تجربه قبلی تأثیر قابل توجهی بر یادگیری جدید دارند. هنگامی که فراگیران می‌توانند اطلاعات جدید را به آنچه که قبلاً می‌دانند مرتبط کنند، آن را بهتر درک و به خاطر می‌سپارند. این فرآیند که به فعال‌سازی اسکما معروف است، به فراگیران اجازه می‌دهد تا بر چارچوب‌های ذهنی موجود بنا کنند و یادگیری را کارآمدتر و معنادارتر سازند. مربیان می‌توانند با بحث‌ها، قیاس‌ها و مثال‌های مرتبط، دانش قبلی را فعال کنند و به دانش‌آموزان کمک کنند تا مفاهیم جدید را با تجربیات گذشته خود مرتبط سازند.

انگیزه نیروی محرکه یادگیری است. انگیزه می‌تواند درونی باشد، که تحت تأثیر پاداش‌های درونی و علاقه شخصی قرار دارد، یا بیرونی باشد، که تحت تأثیر پاداش‌ها و فشارهای بیرونی شکل می‌گیرد. انگیزه درونی اغلب منجر به مشارکت عمیق‌تر و یادگیری مداوم می‌شود، زیرا دانش‌آموزان واقعاً به موضوع مورد نظر علاقه‌مند هستند. انگیزه بیرونی نیز می‌تواند مؤثر باشد، به ویژه در محیط‌های آموزشی ساختاریافته که پاداش‌ها، نمرات یا قدردانی نقش ایفا می‌کنند. درک آنچه که یک فراگیر را به یادگیری ترغیب می‌کند، می‌تواند به مربیان در طراحی فعالیت‌ها و مشوق‌هایی کمک کند که تعامل و پشتکار را افزایش می‌دهد.

ویژگی‌های شخصیتی مانند گشودگی به تجربه، وجدان کاری و انعطاف‌پذیری بر یادگیری تأثیر می‌گذارد. افراد با ذهن باز معمولاً تمایل بیشتری به رویارویی با ایده‌ها و تجربیات جدید دارند که می‌تواند فرصت‌های یادگیری را افزایش دهد. وجدان کاری که با پشتکار و سازماندهی مشخص می‌شود، اغلب به دلیل عادات مطالعه مؤثر و مدیریت زمان با عملکرد تحصیلی بهتر مرتبط است. انعطاف‌پذیری یا توانایی مقابله با شکست‌ها و پشتکار در مواجهه با چالش‌ها برای غلبه بر موانع یادگیری و دستیابی به اهداف بلندمدت ضروری است.

احساسات نقش مهمی در یادگیری ایفا می‌کنند. احساسات مثبت مانند اشتیاق و کنجکاوی می‌توانند انگیزه و مشارکت را افزایش دهند و یادگیری را لذت‌بخش‌تر و مؤثرتر سازند. برعکس، احساسات منفی مانند اضطراب، ترس یا افسردگی می‌توانند با تحت تأثیر قرار دادن تمرکز، حافظه و عملکرد کلی شناختی، یادگیری را مختل کنند. مربیان می‌توانند با ایجاد یک محیط یادگیری مثبت و حمایت‌کننده، تشویق و رفع مسائلی که ممکن است با یادگیری تداخل داشته باشند، از سلامت عاطفی حمایت کنند.

سلامت جسمی بر عملکرد شناختی و توانایی‌های یادگیری تأثیر می‌گذارد. عواملی مانند تغذیه، خواب، ورزش و وضعیت کلی سلامتی بر عملکرد مغز و سطح انرژی تأثیر می‌گذارد. برای مثال، خواب کافی برای تثبیت حافظه ضروری است، در حالی که فعالیت بدنی منظم می‌تواند توانایی‌های ذهنی را تقویت کند و استرس را کاهش دهد. مشکلات سلامتی مانند بیماری‌های مزمن یا اختلالات حسی می‌توانند چالش‌های قابل توجهی برای یادگیری ایجاد کنند و نیازمند تمهیدات و حمایت مناسب هستند.

سبک‌های یادگیری به روش‌های ترجیحی افراد برای پردازش اطلاعات اشاره دارد، مانند روش‌های دیداری، شنیداری، خواندن/نوشتن و جنبشی. در حالی که مفهوم سبک‌های یادگیری مورد بحث است، درک ترجیحات دانش‌آموزان می‌تواند به تنظیم روش‌های آموزشی برای مشارکت مؤثرتر آن‌ها کمک کند. برای مثال، فراگیران بصری ممکن است از نمودارها و ویدیوها



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

بهره‌مند شوند، در حالی که فراگیران جنبشی ممکن است فعالیت‌های عملی را ترجیح دهند. ارائه روش‌های آموزشی متنوع می‌تواند نیازهای یادگیری گوناگون را برآورده سازد و تجربیات یادگیری کلی را بهبود بخشد.

وضعیت اجتماعی-اقتصادی (SES) بر دسترسی به منابع آموزشی، فرصت‌ها و سیستم‌های حمایتی تأثیر می‌گذارد. دانش‌آموزان با وضعیت اجتماعی-اقتصادی بالاتر اغلب دسترسی بیشتری به مواد آموزشی با کیفیت، فعالیت‌های فوق برنامه و حمایت تحصیلی دارند. در مقابل، دانش‌آموزان با وضعیت پایین‌تر ممکن است با چالش‌هایی مانند منابع محدود، امکانات آموزشی نامناسب و عوامل استرس‌زای بیرونی که بر یادگیری تأثیر می‌گذارد، روبرو شوند. پرداختن به این نابرابری‌ها از طریق تخصیص عادلانه منابع و برنامه‌های حمایتی برای اطمینان از فرصت موفقیت برای همه دانش‌آموزان ضروری است.

پیشینه فرهنگی نگرش‌ها، رفتارها و انتظارات یادگیری را شکل می‌دهد. ارزش‌های فرهنگی بر نحوه نگرش دانش‌آموزان به آموزش، نقش آن‌ها در فرایند یادگیری و تعامل آن‌ها با معلمان و همسالان تأثیر می‌گذارد. برای مثال، فرهنگ‌هایی که بر یادگیری جمعی تأکید دارند، ممکن است فعالیت‌های گروهی و همکاری را ارزشمند بدانند، در حالی که فرهنگ‌های فردگرا ممکن است اولویت را به کار مستقل و دستاوردهای شخصی بدهند. مرئیان باید از نظر فرهنگی پاسخگو باشند، دیدگاه‌های فرهنگی متنوع را به رسمیت شناخته و آن‌ها را ارزشمند بدانند و آن‌ها را در برنامه درسی بگنجانند تا محیط یادگیری فراگیر ایجاد کنند.

عوامل فردی مؤثر بر یادگیری متنوع و به هم مرتبط هستند و هر یک به طور منحصر به فرآیند یادگیری کمک می‌کنند. توانایی‌های ذهنی، انگیزه، دانش قبلی، ویژگی‌های شخصیتی، حالات احساسی، سلامت جسمی و تأثیرات اجتماعی همگی نقش مهمی ایفا می‌کنند. شناختن و رسیدگی به این عوامل می‌تواند به مرئیان و روانشناسان در ایجاد محیط‌های یادگیری حمایتی، مؤثر و فراگیر کمک کند. با درک پیچیدگی‌های این تفاوت‌های فردی، مرئیان می‌توانند رویکردهای خود را برای رفع نیازهای همه فراگیران تنظیم کنند و در نهایت نتایج آموزشی را بهبود بخشند و یادگیری مادام‌العمر را تقویت کنند.

عوامل محیطی مؤثر بر یادگیری

محیط یادگیری نقش اساسی در شکل‌دهی تجربیات و نتایج یادگیری افراد در زمینه‌های مختلف دارد. این عوامل شامل محیط فیزیکی، تعاملات اجتماعی، تأثیرات فرهنگی و سیاست‌های نهادی است که به طور کلی بر چگونگی کسب دانش، توسعه مهارت‌ها و مشارکت افراد در فعالیت‌های آموزشی تأثیر می‌گذارد.

محیط فیزیکی محل یادگیری به طور قابل توجهی بر تمرکز، راحتی و سلامت کلی فرد تأثیر می‌گذارد. عواملی مانند طراحی کلاس درس، نور، دما، میزان صدا و مبلمان ارگونومیک می‌تواند بر توانایی دانش‌آموزان در تمرکز و مشارکت در فعالیت‌های یادگیری تأثیر بگذارد. یک کلاس درس با طراحی مناسب، نور کافی و حداقل عوامل حواس‌پرتی، محیط یادگیری مطلوبی را ایجاد می‌کند، در حالی که محیط‌های پر سر و صدا یا ناراحت‌کننده ممکن است بر تمرکز و کارایی یادگیری تأثیر منفی بگذارد.

دسترسی به منابع یادگیری، از جمله کتاب‌های درسی، فناوری، کتابخانه‌ها و مواد آموزشی، برای حمایت از نیازها و علائق یادگیری متنوع ضروری است. کلاس‌های درس و کتابخانه‌های مجهز، فرصت‌هایی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا موضوعات را عمیق‌تر بررسی کنند، تحقیق انجام دهند و به مواد تکمیلی دسترسی پیدا کنند. فناوری، مانند رایانه، تبلت و نرم‌افزارهای آموزشی، تجربیات یادگیری تعاملی را تسهیل می‌کند و دسترسی به اطلاعات فراتر از منابع سنتی را گسترش می‌دهد.

عوامل اقتصادی-اجتماعی، از جمله درآمد خانواده، سطح تحصیلات والدین و منابع محله، تأثیر بسزایی بر فرصت‌های آموزشی و نتایج آن دارد. دانش‌آموزان از طبقات اجتماعی-اقتصادی بالاتر اغلب دسترسی بیشتری به منابع آموزشی، فعالیت‌های فوق برنامه و خدمات پشتیبانی تحصیلی دارند. در مقابل، دانش‌آموزان خانواده‌های کم‌درآمد ممکن است با موانعی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

مانند دسترسی محدود به کتاب، اتصال به اینترنت و برنامه‌های غنی‌سازی آموزشی مواجه شوند که بر عملکرد تحصیلی و دستاوردهای آموزشی آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

تأثیرات فرهنگی شیوه‌های آموزشی، اعتقادات، ارزش‌ها و انتظارات را در یک جامعه یا اجتماع شکل می‌دهد. تنوع فرهنگی با در معرض قرار دادن دانش‌آموزان با دیدگاه‌ها، سنت‌ها، زبان‌ها و جهان‌بینی‌های مختلف، محیط یادگیری را غنی می‌کند. مربیان باید از نظر فرهنگی پاسخگو باشند، تجربیات فرهنگی متنوع را در برنامه درسی تأیید و ادغام کنند تا محیط‌های یادگیری فراگیر ایجاد شود که به هویت فرهنگی دانش‌آموزان احترام بگذارد و آن‌ها را جشن بگیرد.

تعاملات اجتماعی با همسالان، معلمان و مربیان نقش اساسی در شکل‌دهی تجربیات و نتایج یادگیری دارد. فعالیت‌های یادگیری مشارکتی، پروژه‌های گروهی و آموزش هم‌تا به هم‌تا، مهارت‌های اجتماعی، کار گروهی و به اشتراک گذاری دانش را در بین دانش‌آموزان تقویت می‌کند. روابط مثبت با معلمان و مربیان، انگیزه، مشارکت و پیشرفت تحصیلی را با ارائه راهنمایی، حمایت و بازخورد سازنده افزایش می‌دهد. برعکس، تعاملات اجتماعی منفی یا قلدری می‌توانند عزت نفس دانش‌آموزان را پایین بیاورند و توانایی آن‌ها را برای یادگیری مؤثر کاهش دهند.

سیاست‌های نهادی و شیوه‌های آموزشی بر توسعه برنامه درسی، روش‌های تدریس، راهبردهای ارزشیابی و تخصیص منابع در محیط‌های آموزشی تأثیر می‌گذارد. سیاست‌های مؤثر، دسترسی عادلانه به آموزش با کیفیت را ترویج می‌کند، از نیازهای یادگیری متنوع حمایت می‌کند و محیط‌های یادگیری فراگیر را پرورش می‌دهد. به عنوان مثال، سیاست‌هایی که بر توسعه حرفه‌ای معلمان، خدمات پشتیبانی دانش‌آموزی و ادغام فناوری آموزشی اولویت می‌دهند، می‌توانند اثربخشی تدریس و نتایج یادگیری دانش‌آموزان را بهبود بخشند.

فضای کلی و فرهنگ مدرسه تأثیر قابل توجهی بر رشد تحصیلی، اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان دارد. فضای مثبت مدرسه که با امنیت، احترام و فراگیری مشخص می‌شود، حس تعلق را تقویت می‌کند و دانش‌آموزان را به مشارکت فعال در فعالیت‌های یادگیری تشویق می‌کند. روابط حمایتی بین دانش‌آموزان، معلمان و مدیران به ایجاد محیطی پرورش دهنده کمک می‌کند که دانش‌آموزان در آن احساس ارزشمندی کرده و برای دستیابی به پتانسیل تحصیلی خود انگیزه داشته باشند. در مقابل، فضای منفی یا خصمانه مدرسه می‌تواند منجر به اضطراب، عدم مشارکت و کاهش نتایج یادگیری شود.

سلامت و بهداشت جسمانی دانش‌آموزان بر توانایی تمرکز، دقت و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های یادگیری تأثیر می‌گذارد. تغذیه مناسب، فعالیت بدنی منظم و خواب کافی برای عملکرد شناختی، حفظ حافظه و عملکرد کلی تحصیلی ضروری است. مدارس می‌توانند با ترویج عادات غذایی سالم، فراهم کردن فرصت‌هایی برای ورزش و ایجاد یک فرهنگ تندرستی مثبت در مدرسه که بر توسعه همه جانبه دانش‌آموزان اولویت دارد، از سلامت جسمانی دانش‌آموزان حمایت کنند.

یکپارچه‌سازی فناوری در آموزش، با تسهیل دسترسی به اطلاعات، ترویج تجربیات یادگیری تعاملی و حمایت از آموزش شخصی‌سازی شده، فرصت‌های یادگیری را افزایش می‌دهد. ابزارهای فناوری آموزشی، مانند رایانه، تبلت، تخته‌های هوشمند و پلتفرم‌های یادگیری آنلاین، دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا در فعالیت‌های یادگیری چند رسانه‌ای شرکت کنند، با همسالان همکاری داشته باشند و به منابع آموزشی فراتر از کلاس درس دسترسی پیدا کنند. یکپارچه‌سازی مؤثر فناوری نیازمند پشتیبانی زیرساختی، توسعه مهارت‌های سواد دیجیتال و توسعه حرفه‌ای مداوم برای مربیان است.

ابتکارات پایداری محیط زیست در محیط‌های آموزشی، آگاهی از مسائل زیست محیطی، شیوه‌های حفاظت و مسئولیت‌پذیری زیست محیطی را در بین دانش‌آموزان ترویج می‌کند. گنجاندن آموزش پایداری در برنامه درسی، دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا چالش‌های زیست محیطی را بررسی کنند، مهارت‌های تفکر انتقادی را توسعه دهند و اقدامات پیشگیرانه‌ای را برای محافظت از محیط زیست انجام دهند. مدارس می‌توانند با اجرای شیوه‌های دوستدار محیط زیست، مانند



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

برنامه‌های بازیافت، تلاش‌های صرفه‌جویی در مصرف انرژی و طراحی ساختمان‌های پایدار، الگوی مسئولیت‌پذیری زیست محیطی باشند و دانش آموزان را به شهروندان آگاه به محیط زیست تبدیل کنند.

عوامل مؤثر بر یادگیری مجموعه‌ای گسترده از تأثیرات را در بر می‌گیرد که تجربیات و نتایج آموزشی را شکل می‌دهد. از محیط فیزیکی و دسترسی به منابع گرفته تا نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی، تأثیرات فرهنگی و سیاست‌های نهادی، هر عامل نقش مهمی در حمایت یا ایجاد مانع برای موفقیت تحصیلی و رشد شخصی دانش آموزان ایفا می‌کند. با شناسایی و رسیدگی به این عوامل مؤثر بر یادگیری، مربیان و سیاست‌گذاران می‌توانند محیط‌های یادگیری حمایتی، فراگیر و غنی‌سازی ایجاد کنند که به همه دانش آموزان در شکوفایی و رسیدن به حداکثر پتانسیل خود توانمند می‌سازد.

عوامل آموزشی مؤثر بر یادگیری

عوامل آموزشی نقش اساسی در شکل‌دهی تجربیات و نتایج یادگیری دانش آموزان ایفا می‌کنند. این عوامل شامل عناصر مختلفی در محیط آموزشی، روش‌های آموزشی و سیاست‌های نهادی است که بر چگونگی تعامل دانش آموزان با دانش و کسب آن تأثیر می‌گذارد. درک این عوامل برای مربیان، سیاست‌گذاران و دینفعان آموزشی برای بهبود اثربخشی تدریس و حمایت از موفقیت دانش آموزان ضروری است.

روش‌ها و رویکردهای مورد استفاده معلمان تأثیر قابل توجهی بر یادگیری دانش آموزان دارد. روش‌های تدریس مؤثر، با در نظر گرفتن سبک‌ها و توانایی‌های یادگیری متنوع، مشارکت فعال و درک عمیق‌تر را ترویج می‌کند. استراتژی‌هایی مانند یادگیری فعال، آموزش متمایز و یادگیری مشارکتی، مشارکت و همکاری دانش آموزان را تشویق می‌کند و محیط یادگیری مثبتی را پرورش می‌دهد.

طراحی و محتوای برنامه درسی تعیین می‌کند که دانش آموزان چه چیزی را یاد بگیرند و چگونه آن را یاد بگیرند. یک برنامه درسی با ساختار مناسب، با استانداردهای آموزشی مطابقت دارد، محتوای مرتبط و به‌روز را در بر می‌گیرد و تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله را ارتقا می‌دهد. انعطاف‌پذیری برنامه درسی امکان تطبیق با نیازها و علایق دانش آموزان را فراهم می‌کند و تجربیات یادگیری معناداری را تضمین می‌کند که به کاربردهای دنیای واقعی مرتبط است.

دسترسی به منابع و مواد آموزشی باکیفیت برای مشارکت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ضروری است. منابع آموزشی شامل کتاب‌های درسی، ابزارهای دیجیتالی، تجهیزات آزمایشگاهی و منابع چندرسانه‌ای است که از ترجیحات یادگیری متنوع پشتیبانی می‌کند و ارائه آموزشی را بهبود می‌بخشد. در دسترس بودن مواد به‌روز و متناسب با فرهنگ برای رسیدگی به پیشینه‌های متنوع دانش آموزان و ترویج محیط‌های یادگیری فراگیر ضروری است.

محیط کلاس درس تأثیر قابل توجهی بر نتایج یادگیری دارد. فضایی حمایتی و فراگیر در کلاس، انگیزه، مشارکت و موفقیت تحصیلی دانش آموزان را تقویت می‌کند. راهبردهای مؤثر مدیریت کلاس، رفتار مثبت را ترویج می‌کند، اختلالات را به حداقل می‌رساند و فضایی امن و مناسب برای یادگیری ایجاد می‌کند. چیدمان فیزیکی، نحوه‌ی چیدن صندلی‌ها و استفاده از فناوری آموزشی به محیطی کمک می‌کند که همکاری و مشارکت فعال را تسهیل می‌نماید.

صلاحیت و تخصص معلمان تأثیر عمیقی بر نتایج یادگیری دانش آموزان دارد. تدریس باکیفیت شامل دانش در مورد موضوع درسی، راهبردهای آموزشی و مدیریت مؤثر کلاس درس است. توسعه حرفه‌ای مستمر تضمین می‌کند که معلمان از بهترین شیوه‌ها، روش‌های مبتنی بر تحقیق و روندهای نوظهور آموزشی مطلع باشند. برنامه‌های همکاری و راهنمایی معلمان، اثربخشی آموزشی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را بیشتر می‌کند.

روش‌های ارزشیابی بر نحوه‌ی درک دانش آموزان از پیشرفت یادگیری‌شان تأثیر می‌گذارد و تصمیمات آموزشی را آگاه می‌سازد. ارزشیابی‌های تکوینی، مانند آزمون‌های کوچک، بحث‌های کلاسی و پروژه‌ها، بازخورد مستمر برای هدایت فعالیت‌های تدریس و یادگیری ارائه می‌دهند. ارزشیابی‌های جمعی، از جمله امتحانات، میزان موفقیت دانش آموزان را در برابر اهداف و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

استانداردهای یادگیری اندازه‌گیری می‌کنند. ارزشیابی‌های به‌درستی طراحی‌شده با اهداف برنامه درسی مطابقت دارند، درک عمیق‌تر را ترویج می‌کنند و از رشد و پیشرفت دانش‌آموزان پشتیبانی می‌کنند.

پیشرفت‌های فناوری شیوه‌های آموزشی را متحول کرده است و فرصت‌های جدیدی را برای ارتقای تجربیات یادگیری ارائه می‌دهد. یکپارچه‌سازی فناوری در کلاس‌های درس شامل تخته‌های هوشمند تعاملی، نرم‌افزارهای آموزشی، منابع آنلاین و محیط‌های یادگیری مجازی است. استفاده مؤثر از فناوری، یادگیری شخصی‌سازی‌شده را تسهیل می‌کند، همکاری را ارتقا می‌دهد و دانش‌آموزان را برای سواد دیجیتال و مشاغل آینده آماده می‌کند. با این حال، دسترسی عادلانه به فناوری و آموزش مهارت‌های دیجیتال، عوامل کلیدی برای اطمینان از بهره‌مندی همه‌ی دانش‌آموزان از این منابع هستند.

فرهنگ مدرسه و ارتباط آن با جامعه‌ی گسترده‌تر، بر مشارکت دانش‌آموزان و نتایج تحصیلی تأثیر می‌گذارد. فرهنگ مثبت مدرسه، احترام، تنوع و فراگیری را ترویج می‌کند و حس تعلق را در بین دانش‌آموزان تقویت می‌کند. مشارکت‌های اجتماعی، مشارکت والدین و شبکه‌های حمایتی به انگیزه، رفاه و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان کمک می‌کند. رهبری مدرسه نقش محوری در ایجاد محیطی پرورش‌دهنده و حمایتی دارد که بر یادگیری دانش‌آموزان و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی آن‌ها اولویت قائل است.

نتیجه‌گیری:

عوامل اجتماعی-اقتصادی مانند درآمد خانواده، تحصیلات والدین و دسترسی به منابع، تأثیر قابل توجهی بر فرصت‌های آموزشی و نتایج آن دارد. نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی می‌تواند بر دسترسی دانش‌آموزان به حمایت آموزشی، فعالیت‌های فوق برنامه و برنامه‌های غنی‌سازی تأثیر بگذارد. پرداختن به مسائل عدالت آموزشی نیازمند مداخلات هدفمند، تخصیص عادلانه منابع و سیاست‌هایی است که از جمعیت‌های دانش‌آموزی کم‌نماینده و به حاشیه رانده‌شده حمایت کند. شیوه‌های تدریس پاسخگو به فرهنگ و طراحی برنامه درسی فراگیر، عدالت آموزشی را ترویج می‌کند و محیط یادگیری حمایتی را برای همه دانش‌آموزان پرورش می‌دهد.

سیاست‌های آموزشی و چارچوب‌های حمایتی نهادی، چشم‌انداز آموزشی را شکل می‌دهند و بر نتایج یادگیری تأثیر می‌گذارند. سیاست‌های مربوط به تأمین مالی، استانداردهای برنامه درسی، گواهینامه‌ی معلمان و ارزشیابی دانش‌آموزان بر شیوه‌های آموزشی و عدالت آموزشی تأثیر می‌گذارد. حمایت نهادی شامل تعهد رهبری، تخصیص منابع، فرصت‌های توسعه حرفه‌ای و ابتکاراتی برای ترویج نوآوری و تعالی در تدریس و یادگیری است. اجرای مؤثر سیاست‌ها و حمایت نهادی برای ایجاد محیطی توانمندساز که کیفیت آموزشی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را ارتقا می‌دهد، ضروری است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۷۷۸۶-۲۹۸۰

منابع:

- ۱) آقازاده، احمد (۱۳۷۹)، آموزش و پرورش تطبیقی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران.
- ۲) احمدی، غلامعلی، (۱۳۸۰). بررسی میزان همخوانی و هماهنگی بین سه برنامه قصد شده، اجرا شده و کسب شده در برنامه جدید آموزش علوم دوره ابتدایی. پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- ۳) احمدی، غلامعلی، (۱۳۸۳). ارزشیابی از برنامه درسی تربیت معلم دوره های کاردانی مراکز تربیت معلم ایران، موسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوریهای آموزشی، تهران.
- ۴) پرویزیان، محمد علی (۱۳۸۴). بررسی آموزش کاوشگری در درس علوم تجربی پایه های سوم تا پنجم مدارس ابتدایی استان مرکزی، موسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوریهای آموزشی، تهران.
- ۵) حسینی، فرهاد، (۱۳۸۱)، بررسی موانع و مشکلات دبیران علم مقطع راهنمایی شهر تهران در استفاده از آزمایشگاههای علوم در فرآیند تدریس، پایان نامه دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکز.
- ۶) حج فروش، احمد. بررسی پیشنهادهای معلمان مجرب و کارشناسان سازمان و پژوهشگران درباره محتوای آموزشی کتابهای درسی دوره ابتدایی (علوم تجربی). مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوریهای آموزشی، ۱۳۸۰.